

ناتو، قفقاز و ترتیبات امنیتی منطقه

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس قفقاز :

دکتر عبدالرحیم زاده

مانور نظامی ناتو در گرجستان درست بعد از نه ماه جنگ خونین بین آن کشور و روسیه انجام شد. هر چند که ناتو مانور خود را تحت عنوان «مشارکت برای صلح» نامیده و هدف خود را از برگزاری آن «همبستگی با گرجستان» عنوان کرده، اما بر کسی پوشیده نیست که هدف اصلی از برگزاری این مانور، واکنش ناتو به آن جنگ و به گونه ای مقابله با حمله روسیه به گرجستان است.

از این رو، مانور ناتو در گرجستان بیش از آنکه يك مانور نظامی باشد، مانوری سیاسی است که اهداف سیاسی را دنبال می کند و به رغم وجود نام صلح بر آن، جنگ نرم سیاسی در جواب جنگ خشن نظامی گذشته است. این موضوع با توجه به کشورهای دعوت شده به این مانور و واکنش روسیه به آن معلوم می شود.

طبق برنامه ریزی ناتو، قرار بود که کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ارمنستان، صربستان و مولداوی نیز در این مانور مشارکت داشته باشند که به جز آذربایجان، مابقی آنها از مشارکت خود انصراف دادند. انصراف این کشورها به روشنی اجابتی بوده به درخواست روسیه، چنان که مقامات قزاقستان آن را کتمان نکرده و عدم شرکت خود را بنابر درخواست روسیه عنوان کرده اند و دیمیتری راگوزین، نماینده دائم روسیه در ناتو اعلام کرد: «قزاقستان، مولداوی و صربستان بعد از مشاوره با روسیه از شرکت در این مانور منصرف شدند». روسیه از ابتدای طرح این مانور نه تنها درخواست ناتو برای فرستادن ناظرانی به مانور را رد نمود، به شدت با برگزاری آن مخالفت کرده است. دیمیتری مدودف، رئیس جمهور روسیه، مانور گرجستان را «تحريك» نامیده و گفته: «در کشوری که جنگ رخ داده مانور برگزار نمی کنند». آنوار آزیمواف، نماینده دائم روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا،

همانند رئیس جمهور کشور خود این مانور را تحریکی آشکار دانسته که «چیزی جز يك توطئه آشکار نیست که تجاوز را در نوع يك ماجرای مسلحانه جدید ترغیب می کند». واکنش روس ها تنها به اعتراضات لفظی محدود نشده، بلکه اقدامات عملی نیز در پی داشته است. همزمان با اعلام برگزاری این مانور، روسیه سندهای همکاری دفاعی با اوستیای جنوبی و آبخازیا را امضا و به دنبال آن، فعالیت نیروهای امنیتی خود را در مرز این دو منطقه با گرجستان تقویت کرد. علاوه بر این، مشاجرات روسیه و ناتو اخراج دو دیپلمات روس از بروکسل مقر ناتو، و اخراج دو دیپلمات ناتو از مسکو را به دنبال داشت.

علت این مشاجرات چیست و چرا روسیه در قبال مانورهایی از این دست چون مانور ناتو و آذربایجان در اوایل ماه جاری چنین واکنش هایی از خود نشان نداد؟ در وهله نخست، به نظر می رسد که مناقشه روسیه و گرجستان بر سر دو منطقه اوستیای جنوبی و آبخازیا علت اساسی واکنش شدید روسیه و مشاجرات او بوده است. این نظر منطبق با سخن مدودف است که مانور ناتو در گرجستان را به صراحت به جنگ پیشین روسیه و گرجستان مرتبط کرده است. با وجود نشانه های زیادی بر تایید این نظر، اما دلیل واکنش شدید روسیه به علتی اساسی تر و مهمتر مربوط می شود.

انگیزه روسیه در مخالفت شدید با این مانور را باید ورای معضل گرجستان و در حدود ترتیبات امنیتی قفقاز جست. بنابر این نظر، مانور ناتو در گرجستان گامی است بلندپروازانه برای تغییر شاکله امنیتی قفقاز و هر چند که این مانور در حدود عملیاتی نه چندان گسترده ای برگزار می شود، اما اهدافی به مراتب گسترده تر و بلند مدت را دنبال می کند. مهم ترین دلیل بر این نظر را می توان در دعوت ناتو از متحدان سنتی روسیه چون قزاقستان، ارمنستان و صربستان برای مشارکت در این مانور دانست. شرکت کشورهای قزاقستان و ارمنستان در این مانور می توانست به معنای نفوذ ناتو در پیمان امنیت جمعی (CSTO) و تزلزل جایگاه راهبردی روسیه در آن باشد. این پیمان از نظر مقامات روسی،

ناتوی یورو-آسیاست و روسیه در سال های اخیر سعی به گسترش دامنه عملیاتی آن داشته است.

از سوی دیگر، قصد ناتو از مشارکت صربستان در این مانور به صورت مشخص، به معنای دور کردن متحد قدیمی اروپایی روسیه از آن کشور است.

عدم مشارکت این کشورها در برنامه ناتو به خوبی نشان داد که ناتو در قصد خود ناکام مانده است و روسیه کماکان اهرم های نفوذ خود را در متحدان گذشته اش دارد. ناتو با کشاندن پای آذربایجان به این مانور توانست از سه کشور منطقه قفقاز، دو کشور آذربایجان و گرجستان را با خود همسو کند، هرچند که ارمنستان کماکان از این دایره خارج است. آیا این موفقیت ناتو به معنای یافتن جاپای محکم در این منطقه و دور کردن روسیه از آن است؟ این پرسشی است که نمی توان با این مانور و میزبانی گرجستان و مشارکت آذربایجان پاسخ مثبت قطعی به آن داد. دلیل امر را باید در وضعیت داخلی گرجستان و شرایط منطقه ای آذربایجان جست.

گرجستان در شرایطی میزبان مانور ناتو است که خود درگیر بحران های شدید سیاسی و اقتصادی داخلی است. همزمان با برگزاری مانور ناتو، رهبران مخالف دولت ساکاشویلی موفق شدند تا هزاران نفر را به خیابان های تقلیس بکشاند تا علیه سیاست های داخلی و خارجی او و به خصوص نزدیکی بیش از حد به آمریکا، اعتراض کنند. گذشته از این، مخالفان بحران اقتصادی شدید گرجستان و نرخ بیکاری ۹ درصدی را ناشی از اقدامات نابردارانه وی و تحمیل جنگ ناخواسته با روسیه به ملت گرجستان می دانند. با وجود آنکه ساکاشویلی سعی دارد با این مانور دستمایه تبلیغاتی حمایت غرب از خود را تهیه کند اما روشن است که این تبلیغات نه تنها باعث خشنودی مخالفان نخواهد شد، بلکه آنان را به مخالفت با وی جدی تر خواهد کرد.

آذربایجان در سال های اخیر گرایش مشهودی به غرب و به خصوص آمریکا داشته که توافق آن کشور با آمریکا، ترکیه و گرجستان برای تاسیس پایگاه ترانزیتی برای پشتیبانی از عملیات ناتو در افغانستان يك نمونه آشکار از چنان گرایشی است.

با وجود چنین گرایشی، مقامات آذربایجان اندک اندک با واقعیت های منطقه ای خود آشنا شده اند که نشانه های آن را در سردی روابط با ترکیه و نزدیکی به روسیه و ماجراهای مربوط به خط لوله گازی ناباکو می توان دید.

این آگاهی از آنجا ناشی می شود که شرایط منطقه ای آذربایجان خود به خود دو قدرت شمالی و جنوبی مجاور آذربایجان، یعنی روسیه و ایران را مطرح می کند، به گونه ای که مقامات آن کشور بدون در نظر گرفتن این دو کشور نمی توانند گام های بلندپروازانه ای داشته باشند. حضور ناتو و به خصوص آمریکا در منطقه قفقاز با برگزاری مانورهایی از این دست نمی تواند تاثیری بیش از يك حضور نمایشی در یکی از استراتژیک ترین مناطق جهانی داشته باشد.

در این میان اگرچه بسیاری از کشورهای اروپایی در آرزوی دریافت کمک باآمریکا ذیل عنوان ناتو در این مانور شرکت دارند، اما عدم شرکت کشورهایی چون فرانسه، سوئیس و ایتالیا در این مانور نشانگر دیدگاه واقع بینانه تر حاکم بر این کشورهاست که به نظر می رسد دور اندیشانه تر به آینده نگاه می کنند و در برابر واقعیت های منطقه ای قفقاز که تاریخ نشان داده پاشنه آشیل یکجانبه گرایی های امپراتورهای بزرگ بوده با دقت بیشتری عمل می نمایند.

سیاست واقع بینانه ای که بیشتر از حضور در يك مانور نمایشی می تواند نفوذ این کشور ها در ترتیبات امنیتی منطقه ای قفقاز را به عنوان شريك قدرت های مشرف به این منطقه (ایران و روسیه) تضمین کند. دلیل اساسی این امر به وجود قدرت های موثر و قدرتمند روسیه و ایران در این منطقه مربوط می شود.

این دو کشور گذشته از هزاران کیلومتر مرز خاکی و دریایی با کشورهای سه گانه قفقاز، اهرم هایی تاثیرگذار در این منطقه نیز دارند که بسیار کارسازتر از وعده و وعیدهای غربیان و به خصوص آمریکاییان به سران این کشورهاست.

از این رو، تنها نتیجه هر گونه ترتیب امنیتی در این منطقه بدون در نظر گرفتن این دو قدرت، به معنای بحران های بیشتر بدون چشم اندازی از صلح و آرامش است.
پایان پیام.